



سروده ای از دکتر فلور طاهر تهرانی (خاور دخت) میهن

خطه ی پاک تو فردوس تاشانی من
خاک زر خیز تو آراکه غائی من
رأس فرسنگ تو ای درکه دانایی من
دانشد زینت تو، منظر زیبای من
آرزو مند بقایت دل شیدایی من
خیره ماند بر آن ممد شگوفایی من
مانده چون اختر این گنبد مینایی من
هست مهر تو همه هستی و دارایی من
دست حق یاور تو، پر تو مینایی من

میهن ای مهد سرافراز اهورائی من
پرهنریا که حکیم از تو بسی خاسته اند
بنیکی فکرت و کردار و سخن بد همه وقت
در زمانی که اسارت به جهان بود رواج
حیله با بر تو نمودند و تو بر جامندی
هر زمان کوردلان بر تو بسی تاخته اند
ره نبردند به جایی و تو کشتی پیروز
جان من بیچ بند دره تو ای ایران
بود از دامن تو آتش اهریمن دور